



حسن قبح ذاتی و عقلی

از مباحث کلام و علم اصول ، حسن و قبح عقلی و ذاتی اشیاء و افعال است.

مراد از حسن و قبح ذاتی این است که آیا حسن و قبح اشیاء و افعال ذاتی است یا شرعی؟ یعنی آیا فی نفسه افعال حسن یا قبیح هستند یا امری قراردادی است.

و بحث حسن قبح عقلی یعنی آیا عقل بدون در نظر گرفتن حکم شارع میتواند به حسن (نیکی) یا قبح (بدی) اعمال و اشیاء پی ببرد؟

در آخر کسانی که حسن و قبح را ذاتی میدانند آنرا عقلی هم دانسته و غرضشان این است که ما هم میتوانیم عقل خود را ملاک قرار داده و در شریعت پیامبر دستی ببریم.

اما بخاطر سوال یکی از عزیزان که نظر مرحوم حاج محمد کریم خان کرمانی اع را در این خصوص خواستار بود لازم دیدم، امروز که مربوط به اصول فقه است این موضوع را مطرح کنم.

اول لازم است بگویم که مشایخ شیخیه اعلی الله مقامهم، در هیچ علمی خود را طابع علما و دانشمندان گذشته نکردند که در چهارچوب آنها پیش بروند، لذا تمام علوم را از پایه بررسی کرده و نظر خود را مطابق آیات و روایات بیان میکنند، طوری که هر منصفی بعد از خواندن آن به ایرادات علمای گذشته پی میبرد.

اما در بحث مذکور، ایراد اول به این دسته بندی اصولیون وارد است، یعنی قرار دادن ذاتی و شرعی در مقابل هم، چرا که ذاتی در مقابل معانی دیگری مانند وصفی یا عرضی به کار میرود نه شرعی، و شارع را شخصی در نظر گرفته اند که بدون علت بر افعال و اشیاء حکمی وضع میکند العیاذ بالله و نخوانده اند **کل ما حکم به الشرع حکم به العقل**.

لذا لازم است به کلی آنچه هر دو طرف ماجرا میگویند را کنار گذاشته و به حق مطلب دل بدهید.

ما سوی الله همه خلق خدا بوده و خداوند به حکمت خود همه را (اعم از افعال و اشیاء و اشخاص) به نیکوترین وجه ممکن آفریده و قبیح از او سر نمیزند، و در این عالم تکوین جمعاً مطیع امر خدایند و ایمان به حکم کُن آورده‌اند و در این مقام عاصی و شقی و متمرّدی یافت نمی‌شود. همه اطاعت کرده و به بهشت ایجاد رسیده‌اند و **ان من شیء الا یسبح بحمده**.

اما در عالم تشریح که عالم نسب و قرانات است، عده ای مطیع نور مبدأ شده و عده ای مطیع نهایت ظلمت شدند، و در این مقام، سعادت و شقاوت و حسن و قبح و زشت و زیبا پیدا شد. و در مقام تشریح، ثواب و عقاب و تولی و تبری و مدح و ذم و مانند آن پدید آمد.

حال با توضیح فوق، باید جایگاه حسن و قبح را در اشیاء دانسته باشید.

اما در عقلی بودن حسن و قبح عرض میکنم، که درست است، حسن و قبح توسط عقل قابل درک است اما نه هر عقلی، عقلی میتواند حسن و قبح را درک کرده و حکمی را صادر کند که دو خصوصیت داشته باشد.

1- کلی باشد، تا به جمیع نسب و قرانات آن شیء عالم بوده و احاطه داشته باشد، چرا که هر امری و شیئی میتواند برای شخصی خوب باشد و برای شخصی بد و در مکان و زمان خاصی خوب باشد یا بد و این مطلبی واضح است.

2- مشوب به طبایع و هواها نباشد، تا با عصمت و اعتدال خود بتواند حق مطلب را بیان کند و طبایع و هواها باعث گمراهی او نشوند.

و چنین عقلی تنها عقل ائمه معصومین علیهم السلام است که دارای عصمت بوده و کلی هستند و هیچکس دیگر نمیتواند عقل ناقص خود را بکار ببرد و جای ایشان حکمی را در دین خداوند تغییر دهد یا کم و زیاد کند، همانطور که امام سجاد علیه السلام فرمودند **إنّ دین الله لا یصاب بالعقول الناقصة**.

لذا غرضی که اصولیین از بحث حسن و قبح ذاتی و عقلی دارند حاصل نمیشود.